

سازمان جوانان مبارز

تاریخ چهارشنبه ۱۳۸۲/۰۵/۲۹

کیته دشمنان نهضت ملی ایران ادامه دارد

از سوی نوچه های دکتر مظفر بقائی همایشی تحت عنوان « فقط ، سلطه ، کودتا » در تهران برگزار شد . هدف برگزار کنندگان تحلیله کردن نهضت ملی ایران و زیرستمال بردن شخصیت آزاد مرد تاریخ کشورمان دکتر محمد مصدق بوده است . کاری که ۲۵ سال خاندان پهلوی و سلطنت طلبان با همه سعی و کوشش موفق نشدند . پس از انقلاب نیز مشتبی روپنه خوان که یکتبه بمقام آیت الله و حجت الاسلامی وسیدنید ، گاه و بیگاه مصدق را به باد حمله گرفته و میگیرند . اکنون تویت به پسر و فوه « سید کاشمی » رسیده که راه پدر و دکتر بقائی استاد اعظم خود را پیگیر شوند ، شاید بدینوسیله دل ارباب قدیمی را بدست آورند .

در این همایش ، دکتر محمود کاشانی نوچه احمد آیت اظهار داشت « تز اقتصاد بدون نفت مصدق سبب فقر و نارضایتی مردم شد و این امر همان سیاست دیکته شده انگلیس بود که اجرا شد ». گویا این آغازاده ! در عالم هپروت سیر میگذند . که چنین مخفراقی را بهم می باند . در اثر سیاست اقتصاد بدون نفت دکتر مصدق بود که برای خستین بار بین واردات و صادرات توازن بوجود آمد ، پس از کودتای ۲۸ مرداد تا امرور چنین موقوفیتی نه تنها نصیب ایران نشده بلکه سال به سال افزایش واردات نسبت به صادرات فاصله نجومی گرفته است . در آخرین سال حکومت دکتر مصدق واردات هنچ میلیارد ریال و صادرات (باستثنای نفت) چهل و هشت میلیارد ریال بود . پس اگر سیاستی از سوی انگلیس دیکته شده باشد که حتی هم شده است به بیت حضرت آیت الله کاشانی بوده تا در کودتا ۲۸ مرداد وزنه ای باشد برای کودتاچیان . در این همایش نوه آیت الله کاشانی آقای دکتر محمدمحسن سالمی هم برای جلب نظر ارباب قدیمی چنین افاضه کلام فرمودند ، « سیاست مصدق برای حفظ وجاہت شخصی نتیجه ای جز نابودی ملت و بازگشت به استعمار خداشت و گناهی ناخوشونی است و با افسایی برخی استاد ، اکنون نهضت نفت بصورت ادعایه ای علیه مصدق را آمده است . آیا تباید به ریش این آغازاده خندید . امروزه دکتر مصدق بیش از حیاتش مورد تکریم و احترام ملت ایران قرار گرفته است . ادعایانه سنتگین باید علیه آن مقام بزرگ مذهبی باشد که بلافصله پس از کودتا به ایتالیا تکراف زد و بازگشت سریع « اعلیحضرت همایونی » را به ایران خواستار شد . ادعایانه سنتگین باید برای پدر بزرگ آقای سالمی باشد که پس از کودتا ، در مصاحبه ای یا مخبر روزنامه « المصوّر » چاپ مصر متکبرانه گفت « این من بودم که کودتا را به راه انداختم و با مصدق نساختم و در برابر او مقاومت کردم و سرلشکر زاهدی را برکرسی حکومت شاندم . من تنها کسی هستم که امروز بر این سرزمین حکومت می راند » .

سخن آخر ، پس از انقلاب که اندک نسیم آزادی و زیدن گرفت ، همکان شاهد بودند که هزاران هزار ایرانی آزادی پیاسده و سواره برای زیارت آرامکا پیشوای خود راهی قلعه احمدآباد شدند . تا وابستگی خود را به مکتب او نشان دهند .